

# عید با حکیم

## حکیم به عید دیدنی می‌رود

دیگر کم‌کم نوید و مژده بهار و بوی گل و سوسن (و عه ببخشید بهمن نیست، عیده). خلاصه که با نزدیک شدن به ایام روزهای تولد عید شما مبارک، حکیم هم کم‌کم دارد لباس‌های پلوخوری را از کمد درمی‌آورد و سفره هفت‌سین اش را با آینه زنگارگرفته و سبزه سال پیش و ماهی‌هایی که هم‌سن خودش هستند، می‌چیند. اگر به بهارها و عیدهای گذشته حکیم نگاه بیندازیم، البته که شمار بهارهایی که از سر گذرانده از تار موهای سپیدش هم بیشتر است اما در کل هر سال در عید دیدنی‌ها رفتارهای تکرار شونده‌ای دارد. مثلاً هر سال لحظه سال تحویل یا خواب می‌ماند یا هنوز در حمام سال نویی اش است و عمدتاً لحظه‌های تحویل سال را از دست می‌دهد.

در عید دیدنی‌ها حکیم در ابتدا همیشه در روبوسی بین بوسه دوم و سوم می‌ماند و سال‌هاست که هنوز نفهمیده باید دوبار آدم‌ها را ببوسد یا سه بار. بعد از آن در دوره‌هایی که همیشه تمام میوه‌های ظرف میوه و آجیل‌ها را بالاخص موز و پسته را خورده و تعداد زیادی را هم در جیب‌هایش جاساز می‌کند تا حدی که چندین بار موقع رفتن مچش گرفته شده و حدود نیم کیلو پسته را در جیب‌های مختلف و جوارب و خلاصه هر جا می‌توانسته پیدا کرده‌اند. حکیم در عید دیدنی‌ها نقش شوهرعمه‌ها یا شوهرخاله‌های عزیز و گرامی را هم بازی می‌کند و جوک‌ها و لطیفه‌هایی را تعریف می‌کند که منسوب به این عزیزان است. عمدتاً هم خودش بعد این سطح طنز فوق‌العاده‌اش قه‌قهه می‌خندد و دیگران با نگاه (بامزه کی بودی تو؟) به او می‌نگرند. اقدام بعدی که در عید دیدنی‌ها انجام می‌دهد قاپیدن عیدی‌های بچه‌های فامیل و ساکت کردن آنها با استفاده از روش‌های سامورایی است. القصة که فامیل بخت برگشته‌اش از او در عید دیدنی‌ها دل چندان خوشی ندارند اما او با احتساب ۲۴ ساعت در شبانه روز و ۱۳ روز عید هر یک ساعت، یک جا برای عید دیدنی می‌رود و اصلاً برایش فرقی نمی‌کند ساعت ۸ صبح باشد یا یک پس از نیمه شب. در هر ساعتی از شبانه روز او در خانه‌ها را به صدا در می‌آورد.

## حکیم در افطاری‌ها

بالقاعده حکیم در ماه رمضان وقصه‌هایش را در شماره‌ای دیگر باید تعریف می‌کردیم اما از آنجا که امسال کار خدا و طبیعت با هم قاطی شده و در هم تنیده، مجبوریم به افطاری‌های عید دیدنی هم بپردازیم. حدود سی سال پیش هم این اتفاق افتاده بود که عید ماه رمضان داشتیم. آن موقع من و شما هنوز با به جهان هستی نگذاشته بودیم اما حکیم خوب آن زمان را به خاطر دارد؛ حتی ۳۰ سال قبل از آن هم که باز این اتفاق افتاده بود را به یاد دارد. شاید باورش برای تان سخت باشد اما حکیم حتی آن موقع هم عید دیدنی‌های مکرر و پی‌پی خود را از دست نمی‌داد و افطارها و سحرها را به خانه فامیل و آشنا می‌رفت تا امتیاز این مرحله را از دست ندهد. افطار را که می‌خوردند، تبریک عید می‌گفتند، بعد دوباره نماز می‌خواندند و بعد سر سفره هفت‌سین می‌نشستند تا عیدی‌ها را پخش کنند و این روند عجیب و غریب درهم‌تنیدگی عید و ماه رمضان همین‌طور ادامه داشت اما این چیزی از پایبندی به سنت‌های حکیم کم نمی‌کرد و حکیم همچنان به تمام سنن عید دیدنی و ماه رمضان پایبند بود.

## حکیم عیدی می‌دهد

همان‌طور که قبل‌تر هم عرض کردم، حکیم بیشتر اهل عید دیدنی رفتن بود و کمتر پیش می‌آمد که فرصت خالی‌ای در خانه‌اش باشد تا مهمان به خانه‌اش بیاید. گاهی اما اقوام و دوست و آشنا پیش دستی می‌کردند و ساعتی را می‌یافتند تا خود را برای عید دیدنی و عیدی به خانه حکیم برسانند. اما حکیم برای این موقعیت‌های اضطراری و مبادا هم ترفندها و تکنیک‌های خودش را داشت. اول از همه سعی می‌کرد کمترین واحد پول دوره را خریداری کند و همان مبلغی که با آن فقط در عهددقیانوس می‌توانستی خرید کنی را در لابه‌لای قرآنش می‌گذاشت تا بونه عیدی نیاورند و بتواند به همه عیدی بدهد، منتها به صرفه و اقتصاد. عمدتاً ظرف میوه‌اش را با خیار و سیب پر می‌کرد و یک لیست بلند بالا از خواص این میوه‌ها تهیه می‌کرد تا همان‌ها را تا جای ممکن در چشمان مهمان موز و نارگیل جلوه بدهد. در ظرف آجیل خوری هم بیشتر بادام زمینی و تخمه ژاپنی پیدا می‌کردی که برای آنها هم توضیحات جالبی داشت تا در دهان مهمان مژه بسته کند. مثلاً از اطلاعات عمومی‌اش من باب این که تخمه ژاپنی از جابان دماوند آمده و به این دلیل به آن ژاپنی می‌گویند، استفاده می‌کرد. اکثر اوقات هم با خمیازه‌های پی‌پی و سرفه‌های مکرر فضا را ملتهب می‌کرد تا مهمان‌ها کم‌احساس معذب بودن درون‌شان پدیدار بشود و بار و بندیل‌شان را جمع کنند. بی‌جهت نیست که نامش را حکیم گذاشته‌اند.

**آبی ایرانی**  
**نمایشگاه هنرهای تجسمی**

۱۴۰۲  
افتتاحیه ۱۸ اسفند  
ساعت: ۱۶ الی ۱۹

استادان میهمان  
منوچهر فخریان  
صبرینه توپچی  
جلال عطارزاده

اسامی هنرمندان شرکت کننده در نمایشگاه آبی ایرانی

حامد آشکار / لیلا افخمی نمین / نیوشا افشار / سحر اکبری / مظهره اکبری / شراره اعتمادی / معصومه امینی / اکرم باقری‌سمابقری / مهدیه بختی زاده / هدی پیا نوری / رومینا بهاری / مهدیه بیسالی / اکرم بیاتانی / زهرا پور انصاری / مرضیه جرسه / مهدیه جوادیان / عاصفه جهانی / مریم جهانی / مصطفی حسینی / رفعت حسینی / نژاد. نسرین حسینی / هانده حسینیان / فاطمه خانی سولاری / زینب خسروی / منیژه دینپاری / ساری دهقانی / محسن درویش زاده / زهرا رزمجو / روشنگر رحمن پناه / نوشین رعیت / ستایش رموک / مریم ساریخانی / مریم سروش تبار / زهره شاه محمدی / فاطمه شاهسون / سحر شکری / فریده شعاعی / نگار شیرازی / الهه طراری / شیرین عیدی زاده / فاطمه عطائی / رویانی / ستایش عبدالعسین / مونا فتوحی / لیدا فتوحی / فاطمه فرمندی / صبیحه کرمی / زهرا کریمی پور / صبیحه گل شالی / لیلا لایینی / مرجان مرادیان / رعنا مستمع / پرنیلا مشهدی / فاطمه معیر / معصومه ملاحسینی / مینا ملاحسینی / سیده مهدوی / فرانک میرفتاح / لیلا میلانیان / سیده ماهره نبوی / ناز آفرین نادری / فرزانه نصیر دوست / مهسا وثیق / سحر وحدتی / نژاد المیرا هاشم زاده / رحیم اردبیلی / ایهام هاشمی / مریم هندی / رضوان یارایی / فاطمه یزدان پناه

علی پیرانی / ثنا دیندار / محمد حسن دیندار / ماهان حمید فر

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی ایران

کالری کردان  
لیلا شاهچرینی  
اطلاعات بیشتر  
۰۲۱۹۱۵۵۳۱۹  
۰۹۱۰۶۸۱۲۰۹